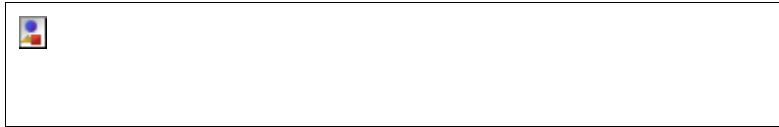
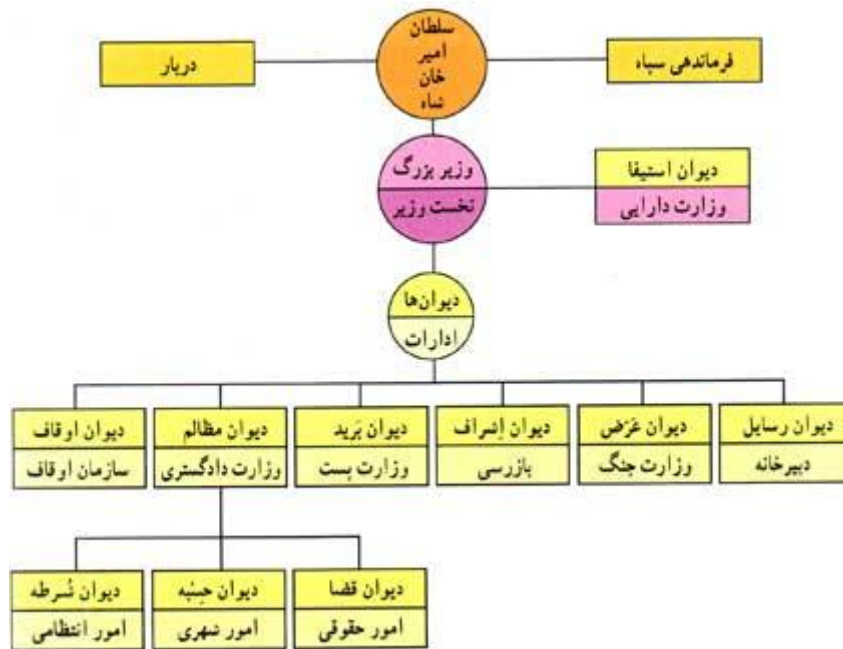


تمدن و فرهنگ ایران از ظهور اسلام تا پایان دوره تیموری



ورود اسلام به ایران، زندگی ایرانیان و مسلمانان را متحول کرد زیرا ایرانیان با هوش و زکاوت خود و تلاش مستمر خود توانستند در زمینه های مختلف علمی به پیشرفت هایی نائل آیند و فرهنگ و تمدنی به نام تمدن اسلامی را پایه ریزی کنند. که اگر ایرانیان را از این تمدن خارج کنند چیزی برای عرضه نخواهند داشت. تا زمان مأمون عباسی خلیفه حاکم جهان اسلام بود، ولی با استقلال ایرانیان حکامان ایرانی یا از طرف خلیفه یا به صورت مستقل قلمروی خود را اداره می کردند. بعد از حمله مغولان و از بین رفتن خلافت عباسی، سلاطین ایرانی کاملاً مستقل شدند.

امور کشوری در دست وزیر قرار داشت وزیر را سلطان تعیین می نمود. وزیران معمولاً از میان افراد هوشمند و توانا و با تجربه انتخاب می شدند. گاهی قدرت وزیر بسیار زیاد می شد، به طوری که قادر بود سلطان را هم عوض کند. برای اداره ی کارهای مختلف کشور، اداراتی وجود داشت که دیوان نام داشتند و به کارمندان دیوان ها دبیر یا کاتب گفته می شود و برای هر کاری دیوانی وجود داشت.



ابن سینا
فیلسوف و پزشک ایرانی



فارابی فیلسوف ایرانی



نمونه ای از تزئینات معماری اسلامی از دوره تیموریان

شهرهای مرو

شهرهای مرو، نیشابور و ری پس از اسلام شهرت جهانی داشتند. در هر شهر مجموعه ای از خانه ها مساجد و حمام ها، اداره دولتی و مراکز تجاری و صنعتی بود و کشاورزی در اطراف شهرها انجام می گرفت. دروازه های شهر شبها بسته بود و مسجد جامع هر شهر محل تجمع مردم و برگزاری مراسم مهم بود. و کاروان سراها در داخل یا حومه شهر محل هایی برای آسایش مسافران و گاه داد و ستد ساخته می شد.

اداره امور هر شهر بر عهده حاکم یا والی بود. مرکز حکومت در قلعه ای در وسط شهر قرار داشت که به آن ارگ می گفتند.



کسی که بر مسائل دینی و معاملات نظارت داشت و خلاقان را مجازات می کرد محتسب نام داشت.

زمین های کشاورزی متعلق به مردم بود، ولی بخشی از زمین ها متعلق به حکومت یا سلطان بود. زمینهای دیگری هم بود که درآمد آنها صرف امور خیریه می شد که به این زمینها وقفی می گفتند.

علم و دانش:

در قرآن کریم و سخنان پیامبر (ص) بر فراگیری علم تأکید بسیار شده است. در قلمروی اسلامی، سرزمینها و ملت های گوناگون، میراث های علمی و تمدن گوناگون وجود داشت و همسایگی قلمروی اسلامی با هند، چین، یونان و روم میزان پیشرفتهای علمی در میان مسلمانان بسیار زیاد بود. در واقع مسلمانان با کسب دانش های دیگران و ترکیب آنها با دانسته ها و عقیده اسلامی خود فرهنگ و دانش های جدید را پایه گذاری می کردند. دانشمندان ایرانی در زمینه های خدا شناسی، فلسفه، تاریخ، جغرافیا، ریاضیات، فیزیک و پزشکی به مطالعه و تألیف مشغول بودند و در زمینه هنر و معماری نیز فعالیت های چشم گیری داشتند.

ارزشهای دینی و نیاز های زندگی، عوامل اصلی پیدایش و ترقی فعالیت های هنری و معماری در میان ایرانیان و مسلمانان بود کمال الدین بهزاد نقاش معروف ایرانی در اواخر دوره تیموریان زندگی می کرد.



بیشتر بدانیم ...



علوم اسلامی:

- ۱- **تفسیر:** مهم ترین علم اسلامی، علم شناخت قرآن و تفسیر آیات قرآنی است. مهم ترین کتابهای تفسیری شیعه عبارتند از تفسیر مجمع المیزان از طبرسی و تبیان از شیخ طوسی و از تفاسیر اهل سنت نیز تفسیر طبری و کشاف زمخشری می باشد.
- ۲- **حدیث:** اقوال پیامبر (ص) و امامان را حدیث می گویند. و بهترین وسیله فهم قرآن است در کنار دانش علم حدیث، علم رجال نیز کارش رسیدگی به ناقلان احادیث است. کتاب کافی از یعقوب کلینی، التوحید از شیخ صدوق و از اهل سنت صحیح بخاری و صحیح مسلم را می توان اشاره کرد.
- ۳- **فقه:** که شامل سه بخش عقاید فقه و اخلاق است و در هر مذهب بزرگان زیادی چه از اهل سنت و چه شیعه در این زمینه منشأ خدمات شایانی بودند.
- ۴- **فلسفه و کلام:** مسلمانان موظف بودند که اصول دین خود را بر برهان و استدلال بپذیرند و مبنای این استدلال های عقلی در قرآن و احادیث است. از مهمترین فلاسفه اسلامی می توان از **ابو علی سینا** و **فارابی** نام برد .

علوم ادبی:

از مهمترین رشته های علوم ادبی مسلمانان، دانش صرف و نحو است و پیدایش این علوم رعایت درست خواندن قرآن و شناخت صحیح معانی قرآنی بوده است. بنیان گذار نحو حضرت علی (ع) است که به شاگردش ابوالاسود دثلی تعلیم داد. سیبویه نحوی که قبر وی در محله ی سنگ سیاه شیراز معروف است، نخستین کتاب نحو عربی را به نام الکتاب سیبویه تألیف کرد. اولین مجموعه فرهنگ لغات را خلیل ابن احمد به سال ۱۷۵ هجری قمری به نام العین نگاشت و بسیاری از لغات فارسی در زبان عربی رواج یافت و کتاب های پهلوی مانند خدای نامه و کار نامه و کلیله و دمنه به زبان عربی ترجمه گردید. و رسم الخط عربی اسلامی در ایران پذیرفته شد. روزیه ملقب به ابن مقفع کتاب کلیله و دمنه را به عربی برگرداند و کتاب خدای نامه را در زبان عربی به نام سیرالملوک ترجمه کرد.

ابونواس اهوازی شاعر نابینای زمان هارون الرشید بود.

تاریخ:

تاریخ نگاری از دانش های مورد توجه مسلمین و بخش عمده ای از قرآن را شامل می شود. اولین سیره ای که سیره رسول الله به نگارش در آمد سیره ی ابن اسحاق است. و در قرون سوم و چهارم کتاب هایی چون تاریخ یعقوبی مروج الذهب نوشته مسعودی، اخبارالطوال نوشته دینوری تألیف شدند که مفصل ترین آنها در اواخر قرن سوم تاریخ طبری است و در دوره های بعدی قاضی جورجانی و عطا ملک جوینی و خواجه رشیدالدین فضل الله و حمد الله مستوفی از مورخان دوره ی مغول محسوب می شوند. در دوره ی تیموری نظام الدین شامی و شرف الدین علی یزدی هر کدام ظفرنامه در تاریخ فتوحات تیمور نوشته اند و حافظ ابر و صاحب کتاب زبده التواریخ است و محمد ابن خاوند ملقب به میرخواند کتاب ارزشمند تاریخ روضه الصفا را نگاشته است.

جغرافیا:

مسلمانان برای شناخت قبله و محیط اطراف خود با این دانش آشنا شدند و با آثار یونانی این دانش را کامل کردند. یعقوبی کتاب البلدان در قرن سوم را نگاشت و در قرن سوم و چهارم المسالك والممالک توسط ابو زید. برخی از روی یک اطلس قدیمی اسلامی بر اساس کتاب بطلمیوس نوشته شد و الجیهانی وزیر امیر اسماعیل سامانی کتابی در

مورد جغرافیای کشورهای همسایه نوشت. مهمترین جغرافی دانان عبارتند از : اصطخری ، جیهانی ، مقدسی ، و ابن حوقل.

پزشکی:

مسلمانان آثار بقراط و جالینوس را ترجمه کرده و با تحقیقات و مطالعه بر وسعت علوم پزشکی افزودند و از قرآن و سنت رسول الله (ص) و نیز احادیث امامان شیعه، نکات طبی در حد بهداشت جسمی و روحی نیز استفاده نمودند. اولین اثر مسلمین در این زمینه کتاب فردوس الحکمه از علی طبری است و محمد ابن ذکریای رازی شاگرد همین دانشمند است. رازی اثر الحاوی خود در بیست جلد در علم پزشکی نگاشته است. بعد از او علی ابن عباس کتاب الملکی را نگاشته است. ابن سینا در علم پزشکی کتابی به نام قانون به جامعه اسلامی عرضه کرد. بیمارستان عضدی بغداد تا زمان حمله مغول به معالجه و آموزش پزشکی مشغول بود. بیمارستان نورالدین در شام سه قرن بدون دست مزد به معالجه بیماران مشغول بوده است.

ریاضیات:

این علم سه بخش **حساب**، **جبر** و **مثلثات** و در یک بخش فرعی **موسیقی** را شامل می شود. اولین دانشمند اسلامی محمدبن موسی خوارزمی بود کتاب او به نام کتاب الجبر و المقابله اثری در دانش جبر بوده و کلمه لگاریتم از نام او گرفته شده است. مهم ترین دانشمندان ریاضی دان مسلمان عبارتند از : ابوالعرفاء لوزجانی ، ابن هیثم و ابوسهل کوهی .

علم نجوم:

پیشرفت ریاضیات در میان دانشمندان اسلامی توانست به دانش نجوم کمک کرده و در محاسبات آنها را از دقت بیشتری برخوردار سازد. مهم ترین منجمان مسلمان عبارتند از : محمد الفزاری است که در قرن دوم می زیسته است و موسی بن شاکر خوارزمی منجم نامی عصر مأمون بود که به وسیله پسران خود مساحت دور زمین را پیدا کرد. ابو معشر منجم، در قرن سوم کتاب مخدل الی احکام النجوم را تألیف کرد.

وسابلی نجومی در دوره اسلامی (اسطرلاب وزیج)



فیزیک و شیمی :

دانش طبیعیات نیز در بین مسلمانان مطرح بود. ابن هیثم مسائل نور شناسی یا علم المناظر را نگاشت و شیمی به نام دانش کیمیا توسط جابر بن حیان که شاگرد امام جعفر صادق (ع) بود دنبال می شد. ذکریای رازی کتابی تحت عنوان سر السرار در علم شیمی یا کیمیا نگاشته است و ابن سینا درباره ترکیبات داروی که در قانون نگاشته حدود ۷۵۰ دارو را نام برده است.